

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شرح دعای چهاردهم صحیفه سجادیه

"شناخت ظلم"

محقق: فاطمه پورشفیغ

۲۲ بهمن سال ۹۶

هدیه به پیشگاه مطهر بانوی نمونه اسلام

حضرت فاطمة الزهراء سلام الله علیها

## مقدمه:

آنگاه که در تاریکی جهل فرو رفتی ، دریاب که چگونه این ظلمت ، نفس تو را ربوده است .

ظلم، ظلمت آور است چه ظلم به خود باشد و چه ظلم به دیگری. ظلم بخود اینکه حق نفست را شناسی و با آن بیگانه باشی در نتیجه سرکشی و بی رحمی وجودت را در بر گیرد.. ظلم به دیگری اینکه فی مابین خود و دیگران حق و حقوقی قائل نشوی . می دانی چه گناهی تو را بدبخت می کند؟ ظلم است که انسان را بدبخت می کند. ظلم خوشبخت را بدبخت می کند، ظلم نعمت را می گیرد. «یخرب القلوب» ظلم روح تو را از بین می برد، دل رحیم را قسی می کند. مهربان بودیم سنگدل شدیم روح پاک را ظلم از بین می برد. ظلم از گناهان کبیره است . خدای تعالی در قرآن کریم در عبارتهای گوناگون اخلاقی و رفتاری و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ظلم را تعریف کرده و صاحب آن را در هر موقعیت مورد لعن و نفرین قرار داده است " . لعن بر مشرکان که جامعه را به انحطاط می کشانند و واژه آزادی را در معنای غیر صحیح اخلاقی و رفتاری به جامعه ایمانی تزریق می کنند.. لعن بر کافران که مردم را از حق به سوی باطل می کشانند و مغزها درو می کنند.. لعن بر مفسدان اجتماعی که جامعه را با لب تیز شمشیر بی عفتی و طغیان گری و بی عزتی در بحرانهای گوناگون فرو می برند.. لعن بر منافقین که بر پایه بی عدالتی و نقاب داری مردم را گمراه می سازند. لعن بر دروغگویان که با دروغگویی خود مردم یک جامعه را تحت فشار های اقتصادی و تنگناهای اقتصادی قرار می دهند. لعن بر مرتدان که بی عدالتی و بی دینی را در جامعه رواج می دهند و تشکلات گوناگون سیاسی و فرقه ای را بر مبنای تفکرات نو اندیشی بخورد جامعه می هند و جامعه بشری و دینی را بسوی انحطاط فکری و دین گریزی سوق می دهند.

اثرات ظلم در یک جامعه بسیار عمیق است؛ ظلم اعتماد بین مردم را از بین می برد. رنگ خدایی را آغشته به رنگ شیطانی می کند. ظلم حرمت الهی را نمی شناسد. ظلم، عفت و حیا و غیرت را از وجود مردم محو می کند و بی غیرتی و بی عفتی و بی غیرتی را رنگ و لعاب می دهد. ظلم در جامعه بذر حيله و نیرنگ را می پاشد. ظلم با خوی گردنکشی و سلطه طلبی و استعمار و استثمار قرین است. ظلم، همچون بوته خاری در سر راه است که باید همه آنها را از بین برد تا مسیر پیش روی سالم ماند.

فرد ظالم در اندیشه رسیدن به ایده آل های خود است پس از هر ابزاری برای رسیدن به مقصد استفاده می کند. فرد ظالم از دین فاصله دارد و از آن سوء استفاد می کند تا به مقصد برسد. فرد ظالم جان انسانها را کمتر از یک حیوان می داند و برای آن ارزش قائل نیست. هدف ظالمین ترویج قدرت و مکتنت است پس در برابر این اندیشه اگرچه که هزاران نفر کشته شوند جای نگرانی نیست. آرزوی استثمار و قدرت طلبی ظالمین حد و مرز و معیاری ندارد. آنها مردم و جوامع دیگر بشری را احمق و نادان می دانند؛ پس انسانیت را به اسارت کشیده تا مظلومیتی باقی نماند و صدای مظلومیتی به گوش نرسد. در این دعای چهاردهم صحیفه امام ظلم و ظالم را برای ماتعریف می کنند. از ظالم و ظلم او پناه بخدا می برد. و سفارش می کند تا با بر پایی عدالت از واژه ظلم می توان دور ماند.

والسلام علی من اتبع الهدی

دعای چهاردهم :

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اخْتَدَى عَلَيْهِ أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ

دعای حضرت هنگامی که ظلمی به او می رسید یا از ستمگران چیزی را می دید که خوش نداشت.

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ وَ يَا مَنْ لَا يَخْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ. وَ يَا مَنْ قَرُبَتْ  
نُصْرَتُهُ مِنَ الْمُظْلَمِينَ وَ يَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا  
حَظَرْتَ وَ اتَّهَكَّهُ مِنِّي مِمَّا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَ اغْتِرَارًا بِبِكْرِكَ عَلَيْهِ.

ای آن که از رنج مردم جفا دیده آگاهی

ای آن که برای دانستن حال و روز ایشان، به گواهی گواهان نیاز نداری

ای آن که مددکاریات به ستم دیدگانت نزدیک،

و از ستمگران دوراست

معبود من، تو می دانی که از فلانی فرزند فلان، چه بدی ها به من رسیده که تو خود همگان را از آنها باز داشته ای، و چه بی حرمتی ها نصیب شده که تو خود از آنها نهی فرموده ای. این همه، از روی سرکشی است، به خاطر نعمتی که عطایش کرده ای، و از سر بی اعتنایی و بی پروایی در برابر کیفری که آن را به تأخیر انداخته ای

شرح بند اول:

الف:

ظلم در معنا:

اصل آن یعنی ناقص کردن حق و گذاشتن شیء در غیر موضع خودش است.

كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا ۖ وَفَجَّرْنَا خِلَاءَهُمَا نَهْرًا" (کهف ۳۳)

"هر دو باغ، محصول خود را داد و چیزی از آن نکاست و میان آن دو، نهری روان ساختیم."

وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (کهف ۳۵)،

درحالیکه ستمگر به نفس خود بود وارد باغش شد و گفت: گمان نمی کنم که هیچ وقت این باغ نابود شود.

طبرسی در ذیل این آیه می نویسد: "اصل ظلم، کم کردن حق است.

در صحاح و قاموس آمده، الظلم وضع الشیء فی غیر موضعه-

در نهاییه: اصل الظلم الجور و مجاوزة الحد.

راغب: الظلم عند اهل الغه و كثير من العلماء وُضع الشیء فی غیر موضعه....و الظلم يُقال فی مجاوزة الحق .

انواع ظلم: ۱- ظلم بین خدا و انسان- ۲- ظلم بین انسان و مردم- ۳- ظلم انسان به خودش

۱-ظلم بین خدا و انسان؛ مثل:

الف: شرک بخدا- که در قرآن تجاوز از مرز حق است و دیگر وهم است که ظلم عظیم است-

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا

عَظِيمًا (نساء ۴۸)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء ۱۱۶)

اقسام شرک:

شرک در خلقت- مثل عقیده ایرانیان قدیم که خیرات از یزدان و شرور را از اهریمن و می گفتند: یزدان

اهریمن را آفرید سپس اهریمن بالاستقلال شرور را آفرید. و شاید مراد از آیه ۱۰۰ انعام همین عقیده باشد -

جعلوا لله شركاء-،.

شرک در تدبیر عالم:

مثل عقیده بخدا دریا و خدای صحرا و خدای جنگ.

## شرک در عبادت:

که خدا را عبادت نمی کردند بلکه بتها را عبادت می کردند.

ب: نفاق - کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است. "..... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (آل عمران: ۱۶۷)

منافق کسی است که از ایمان خارج است چنانکه از طبرسی نقل شده و یا از دری وارد و از دری دیگر خارج شده است - إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ - توبه ۶۷) منافق از کافر خطرناکتر و در آخرت عذاب او از کافر سخت تر است. "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَكُنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا" (نساء ۱۴۵)

## ۲- ظلم جاری در بین مردم:

### ظلم بر مستضعفان:

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (نساء ۱۶۰)

به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) به خاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم.

وَ أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (نساء ۱۶۱)

و (همچنین) به خاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم به باطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم.

### ۳- ظلم انسان به خودش:

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف ۲۳)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (روم ۲۹)

ظالمان از هوا و هوسهای خویش پیروی می کنند.

### انواع ظلم در نهج البلاغه:

ظلم بر سه قسم است ستمی که بخشوده نگردد مانند شرک که خداوند نمی آمرزد- و ستمی که رها نگردد مانند

ستمی که بندگان به یکدیگر می کنند مانند قصاص- و ستمی که بخشوده شود و در طلب آن بر نیایند مانند

ستمی که بنده با انجام برخی گناهان کوچک به خویشتن می کند (خطبه ۱۷۶)

امام علی (ع) در نامه "۵۳" می فرماید: لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ

خویشتن خویش را در معرض جنگ با خدا قرار مده. زیرا نه قدرتی داری که از کيفر و عذاب الهی خود را برهانی و نه بی نیاز از عفو و رحمت الهی هستی. هیچگاه از عفوی که نموده ای پشیمان و از عقوبتی که کرده ای خشنود نباش... در مواردی که امکان عفو و بخشش فراهم است، در کيفر و عقاب تعجیل مکن.

و نیز می فرماید: من ظلمت عبدا لله كان الله خصمه دون عباده من خصمه الله أو حض حجة و كان لله حرماً حتى ينع و يتوب - (هر که به بندگان خدا ستم کند، خداوند بجای بندگانش به دادستانی از او بر خیزد و دلیل او را در دادگاه دادگری باطل و نابود سازد و او با خدا پیوسته در جنگ باشد تا دست بکشد و توبه نماید).

### جهان گیر شدن ظلم ظالم:

دشمنان اسلام و ظالمان جهان از عالم گیر شدن اسلام در هراسند، پس با نیت شوم و با گمانی باطل به تخریب اسلام روی آورده اند. اسلام اجازه گردن کشی به ظالمان را نمی دهد و به شدت جلوی ظلم و چپاول و خوی

سلطه جویان ایستاده است. اسلام ظلم ستیز است و با عدل و انصاف به جنگ نا اهلان می رود تا خوی انسانیت رایج و باقی بماند. بسیاری از گرفتاریها نتیجه آه و نفرین پدر و مادر و دوست و رفیق است که به او از طرف مقابل ظلم شده است. - قساوت و سنگدلی نیز از آثار و پیامدهای نفرین است.

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (يونس ۸۸)

و موسی گفت پروردگارا تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده ای پروردگارا تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند پروردگارا اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند .

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ فَأَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (يونس ۸۹)

فرمود: دعای هر دوی شما پذیرفته شد پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی دانند پیروی مکنید. آیات سوره مومنون آیات ۳۲ تا ۷۲ و قمر آیات ۹ تا ۶۱ از دیگر آثار نفرین حق و اهل حق است. که بدلیل طولانی شدن مطلب از بررسی آن صرف نظر می نمایم.

## پیام ها

- ۱- کلمه‌ی «رَبَّنَا» در دعا نقش مهمی دارد. «رَبَّنَا» (سه بار در آیه تکرار شده)
- ۲- هر کس هر چه دارد، از خداست. «آتَيْتَ فِرْعَوْنَ»
- ۲- مال و دارایی، نشانه‌ی محبوبیت نزد خدا نیست. آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً ...
- ۴- کفر، مانع کامیابی نیست. آتَيْتَ فِرْعَوْنَ ... زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
- ۵- جلوه‌های مادی مستکبرین، تنها در چند روزه‌ی دنیاست. «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»
- ۶- طاغوت‌ها هم خود گمراهند، هم دیگران را به گمراهی می‌کشند. «لِيُضِلُّوا»
- ۷- نفرین انبیا، نه بر اساس کینه‌ی شخصی، بلکه به خاطر حفظ مکتب و امت است. «لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ»
- ۸- سرمایه و مال نزد افراد ناصالح، سبب انحراف و اغفال، و فقر نیز زمینه‌ی کفر می‌شود. أَمْوَالًا ... لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ



۹- در دعاها، دعای سیاسی و نفرین بر دشمنان را فراموش نکنیم. رَبَّنَا اَطْمِسْ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ وَ اَشْدُدْ...

۱۰- آنجا که استدلال و معجزه کارساز نباشد، نوبت نفرین است. رَبَّنَا اَطْمِسْ...

۱۱- سنگدلان تا اجبار و قهر الهی را نبینند، حق را باور نمی‌کنند. «فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰی يَرَوْا الْعَذَابَ» استاد قرائتی "

**لعن خدا بر ظالمین در قرآن (رجوع به تعداد اندکی از آیات):**

سوره مائده آیه ۷۸- فَأَذْنِ مُؤْذِنٌ ..... أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظالمين

. سوره توبه آیه ۶۸- .... وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ

وَأَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

سوره فتح آیه ۶-

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ

عَلَيْهِمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

سوره غافر آیه ۵۲-

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.

آنچه در کل از آیات نتیجه می‌گیریم، اینکه نفرین خدا بر ظالمین و منافقین و مشرکین و کسانی که خدا و

رسولش را بیازارند و شیاطین انس و جن که تبلیغات سوء و فساد و فحشا را رایج می‌کنند (اسراء ۶۰-

نساء ۱۱۷-۱۱۸) - نفرین خداوند بر شایعه پراکنان و آنانکه حقایق دین را کتمان می‌کنند (آیات احزاب ۶۰ و

۶۱- بقره ۱۵۹) - نفرین خداوند بر فساد کنندگان روی زمین (رعد ۲۵-) نفرین خداوند بر تهمت زنان - نفرین

خداوند بر کسانی که از روی عمد مسلمانی را می‌کشند (نساء ۹۳) و گروه دیگر دروغگویان جامعه در هر رنگ

و لباسی (آل عمران ۶۱)

**ستم کردن و کمک کردن به ستمکار :**

عنه پیامبر (ص): لا تظلموا فتدعوا فلا يستجاب لكم و تستسقوا فلا تُسَقُوا و تستنصروا فلا تُنصروا. (نهج الدعاء-

ح ۷۶۱)

پیامبر(ص) فرمود: ستم نکنید که در این صورت ، دعا می کنید و دعایتان مستجاب نمی شود و باران می طلبد و باران نمی آید و از خدا یاری می جوید و یاری نمی شوید.

امام صادق(ع): من عذر ظالما بظلمه ، سلط الله علیه من يظلمه، فإن دعا لم يستجب له و لم يأجره على ظلامته(الكافي ج ۲ ص ۳۳۴ ح ۱۸- ثواب الاعمال ص ۳۲۳ ح ۱۴- بحارالانوار ج ۹۳ ص ۳۱۹ ح ۲۶)

امام صادق(ع) فرمود: هر کس ستمکاری را در ستمش ، معذور بدارد(ستم او را توجیه کند) خداوند کسی را بر او مسلط می گرداند که به وی ستم کند . پس همانا، خداوند دعایش را مستجاب نمی کند و در برابر ستمی هم که به او می شود به وی اجر نمی دهد.

### دفاع از مظلوم در قرآن عظیم:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.(سوره حج)

---

به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته اند، اجازه دفاع و جهاد داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان قادر است.

### نکته ها:

گفته اند: این آیه اولین آیه ای است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه جهاد و جنگ مسلحانه داده است، زیرا کار آن حضرت چند مرحله داشت:

۱- دعوت و اصلاح قلبی و خودسازی نیروها

۲- تشکل و بسیج نیروها

۳- دفاع یا حمله

پیام ها:

جهاد، بدون اذن خدا و رسول جایز نیست. «أُذِنَ

مظلومان، مجازند با دشمنان خود جهاد کنند. «أُذِنَ - بَأَنَّهُمْ ظَلِمُوا

نصرت خدا، بعد از بپاخاستن و حرکت ماست. «أُذِنَ - إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»

به رزمندگان روحیه دهید. «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»

حق بر باطل پیروز است. «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»

امداد الهی، تنها جنبه‌ی نظامی ندارد و انواع نصرت‌ها و امدادها را شامل می‌شود. «نَصْرِهِمْ» به طور مطلق مطرح شده است.

نصرت الهی حتمی است. (کلمه «إِنَّ»، «لَقَدِيرٌ»، حرف لام و جمله‌ی اسمیه)

امداد و یاری خداوند نسبت به مؤمنان گسترده است. «قدیر»، نفرمود: "قادر."

تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۶، ص: - ۴۹ - (استاد قرآنتی)

وَمَا لَكُمْ لَأَ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ

الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء ۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما

نکته ها:

آیه درباره‌ی مسلمانانی است که زیر فشار و شکنجه‌ی مردم مگه قرار داشتند. و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده‌اند، نکوهش می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود از مستضعفانی که در تحت حکومت ظالمانند، ما هستیم. و امام صادق علیه السلام در پاسخ به اینکه مستضعفان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که نه مؤمن هستند و نه کافر. .

### پیام ها:

مسلمانان باید نسبت به هم، غیرت و تعصب مکتبی داشته باشند و در برابر ناله‌ها و استغاثه‌ها بی تفاوت نباشند. ... ما لکم.

از اهداف جهاد اسلامی، تلاش برای رهایی مستضعفان از سلطه ستمگران است. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ» اسلام مرز نمی‌شناسد، هر جا که مستضعفی باشد، جهاد است. «وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ»

ارتش اسلام باید به حدی مقتدر باشد که نجات بخش تمام محرومان جهان باشد. «ما لکم لا تُقاتلون»

در شیوه‌ی دعوت به جهاد، باید از عواطف مردم کمک گرفت. الْمُسْتَضْعَفِينَ ... الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا

سرپرستی و ولایت بر مسلمانان باید از طرف خدا باشد. «مِنْ لَدُنْكَ وَ لِيًّا» (تفسیر نمونه-استاد قرائتی)

یکی از مواردی که انسان در قبال آن مسئول است و تکلیف دارد اینکه وقتی صدای مظلومی را بشنود باید به

فریاد برسد و کسی که صدای مظلومی را بشنود و بدون عذر به او کمک نکند مسلمان نیست. مسلمان واقعی و

انسان دارای وجدان در برابر تعدی به مظلوم نمی‌تواند بی تفاوت باشد.

امام علی(ع) می‌فرماید: أحسن العدل نصره المظلوم. بهترین عدالت یاری مظلوم است. (غررالحکم ج ۲

ص ۳۹۴-۲۹۷)

رسول خدا(ص) فرمود: من أصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم. کسی که شب را صبح کند و نسبت به

سرنوشت مسلمانان بی تفاوت بوده و اهتمام به خرج ندهد مسلمان نیست. (کافی مرحوم کلینی - باب الاهتمام بامور

مسلمین ج ۲۶ ص ۱۶۳)

پیامبر(ص) من أخذ للمظلوم من الظالم كان معى فى الجنة تصاحباً- هرکس داد مظلوم را از ظالم بگیرد در

بهشت با من یار و همنشین باشد(بحار ج ۷۵ ص ۳۵۹ ح ۷۴)

بند دوم:

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَافْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به نیروی خویش آن را که بر من ستم کند و با من دشمنی ورزد، از ستم بازدار، و به قدرت خود، سرسختی اش را در هم شکن، و او را به گرفتاری هایش سرگرم ساز، و پیش دشمنانش ناتوان گردان.

### بازداری دشمن از دشمنیش - تبری

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه شناخت دشمن را رمز بینش معرفی می کند.

۱-شناخت دشمن

۲-شناخت مکر و حيله دشمن

۳-هرگز دشمن را کوچک نشمارید هر چند ضعیف باشد.

۴- شناخت دشمن داخلی و خارجی

۵- سختترین ضربه به مکتب اسلام از ناحیه دشمن حيله گر و پنهان کار است.

۶-امام علی(ع) در نهج البلاغه خطبه ۱۷۳ می فرماید:من با دو کس می جنگم ، مردی که مدعی چیزی

شود که حق او نیست و مردی که از حقى که بر عهده اوست شانه خالی کند "ألا و إني أقاتل رجلين

رجلاً ادعى ما ليس له و آخر منع الذى عليه".....وامضوا لما تؤمرون به وقفوا عند ما تنهون عنه"

پس به آنچه دستور می یابید عمل کنید و از آنچه نهی می شوید باز ایستید.

### شکستن تیغ دشمن:

قال علی(ع) رَبِّ قَوْلٍ أَنْفَعُ مِنْ صَوْلٍ: بسا سخنی که از حمله ای کارسازتر باشد.(حکمت ۳۹۴)

امیرالمؤمنین(ع) همیشه ابتدائاً در برابر دشمنان حمله ور ، نصایحی ایراد می کردند تا دشمن مقابل کسب

بصیرت کند و به راه حق بیاید و خود را دچار عذاب الهی نکند و از راه باطل جدا شده و توبه کنند.

### نامه حضرت به معاویه در خونخواهی عثمان؛ نامه ۱۱

و من وصیة له (علیه السلام) وصی بها جیشاً بعته إلى العدو:

فَإِذَا نَزَلْتُمْ بَعْدَهُ أَوْ نَزَلَ بِكُمْ فَلْيَكُنْ مُعَسْكَرُكُمْ فِي قُبُلِ الْأَشْرَافِ أَوْ سِفَاحِ الْجِبَالِ أَوْ أَثْنَاءِ الْأَنْهَارِ، كَيْمَا يَكُونَ لَكُمْ رِذَاءٌ وَ دُونَكُمْ مَرَدًّا، وَ لَتَكُنْ مُقَاتِلَتُكُمْ مِنْ وَجْهِ وَاحِدٍ أَوْ اثْنَيْنِ وَ اجْعَلُوا لَكُمْ رُقَبَاءَ فِي صَيَاصِي الْجِبَالِ وَ مَنَابِئِ الْهَضَابِ، لئَلَّا يَأْتِيَكُمْ الْعَدُوُّ مِنْ مَكَانٍ مَخَافَةٍ أَوْ أَمْنٍ؛ وَ اعْلَمُوا أَنَّ مُقَدِّمَةَ الْقَوْمِ عِيُونُهُمْ وَ عِيُونَ الْمُقَدِّمَةِ طَلَائِعُهُمْ؛ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّفَرُّقَ، فَإِذَا نَزَلْتُمْ فَانْزِلُوا جَمِيعاً وَ إِذَا ارْتَحَلْتُمْ فَارْتَحِلُوا جَمِيعاً، وَ إِذَا غَشِيَكُمْ اللَّيْلُ فَاجْعَلُوا الرَّمَاحَ كِفَّةً، وَ لَّا تَذُوقُوا النَّوْمَ إِلَّا غَرَاراً أَوْ مَضْمُضَةً.

از وصیتهای آن حضرت علیه السلام است که لشگری را که بسوی دشمن فرستاده بود بآن سفارش می فرماید

(و آن قسمتی از نامه ایست که در پاسخ نامه زیاد ابن نصر و شریح ابن هانی که هر دو از نیکان اصحاب امام

علیه السلام بودند نوشته زمانیکه ایشان را با دوازده هزار تن از لشگر عراق برای جنگ با لشگر شام فرستاده در

بین راه با یکدیگر مخالفت نموده هر کدام نامه ای به کوفه نزد آن بزرگوار فرستاده از دیگری شکایت نمودند،

آن حضرت در پاسخ هر دو نامه ای نوشت که از جمله آن قسمتی است که دستور جنگ با دشمن را بآنان

گوشزد می نماید.

پس هرگاه به دشمن برخوردید یا دشمن بشما برخورد باید لشکرگاه شما در جاهای بلند (تپه ها) یا دامنه کوهها یا کنار رودخانه ها باشد تا برای شما کمک بوده (از دسترسی آنان) جلوگیری باشد، و باید جنگ شما (با دشمن) از یکسو یا دو سو باشد (زیرا لازمه جنگیدن از چند طرف پراکندگی و ضعف و شکست است) و برای خودتان در بلندی کوهها و لای تپه های مسطح پاسبانان و دیدبانان بگذارید تا دشمن بطرف شما نیاید از جائیکه می ترسید (مبادا بیاید) یا از جائیکه ایمن هستید (که از آنجا نمی آید، و ممکن است ناگهان از آنجا بیاید که دیدبانان آمدن دشمن را از دور دیده شما را آگهی می دهند تا درصدد جلوگیری بر آئید) و بدانید جلوداران لشکر دیدبانان ایشانند و دیدبانان جلوداران لشکر (چند تنی که جلو لشکر می روند) جاسوسان هستند (خلاصه باید چند تن جاسوس جلو و دیدبانان لشکر دنبال آنها و لشکر پس از ایشان بروند تا از کار دشمن آگاه بوده در هر موضوع دانسته اقدام نمایند).

و از جدا شدن و پراکندگی بپرهیزید، پس هر گاه (در مکانی) فرود آمدید همگی فرود آئید، و هرگاه کوچ نمودید همگی کوچ نمائید، و چون شب شما را فرا گرفت نیزه ها را (در اطراف خویش) گرداگرد (دائره مانند) قرار دهید (تا اگر دشمن شیخون زند و سائل دفاع در دسترس باشد) و خواب را نچشید (به خواب راحت نروید) مگر اندک یا مانند آب در دهان گردانیدن و بیرون ریختن (چرت بزنید نه به آسوده بخوابید شاید دشمن بیدار و درصدد شیخون باشد)

بند سوم:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي، وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَ اغْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مگذار که او بر من ستم روا دارد، و مرا در برابر او به نیکی یاری فرما، و از پرداختن به کارهایی چون کارهای او و درافتادن به حال و روزی که او دارد. نگاه دار.

امام علی(ع) در خطبه ۴۰ فرمود: ...وَيَقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُوْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي، حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرًّا وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ. با دشمن پیکار گردد، راه ها امن گردد و حق ناتوان را از توانا گرفته شود تا آنکه نیکوکار به آسایش رسد و از دست بدکار آسوده گردد.

### ناتوان کردن دشمنان:

من کلام له (علیه السلام) و قد استبطن أصحابه إذنه لهم في القتال بصفين:

أَمَا قَوْلُكُمْ أ كُلُّ ذَلِكَ كَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ؟ فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ. وَ أَمَا قَوْلُكُمْ شَكًّا فِي أَهْلِ الشَّامِ، فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشُوْا إِلَيَّ ضَوْئِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُقْتَلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَ إِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بِأَثَامِهَا. (خطبه ۵۵ نهج البلاغه)

از سخنان آن حضرت علیه السلام است در صفین موقعی که اصحاب آن بزرگوار تصور کردند در شروع به جنگیدن (با مردم شام) درنگ و کندی می نماید، (چون در صفین آب بتصرف حضرت در آمد و از اهل شام ممانعت نمود. چند روزی جنگ متارکه گشت، پس بعضی از لشکریان گفتند تأمل او در فرمان بجنگ شاید برای اینست که از مرگ و کشته شدن می ترسد، و برخی دیگر گفتند شاید برای اینست که در وجوب جنگیدن با مردم شام شک و تردید دارد، حضرت در پاسخ آنان فرمود.

اما سخن شما که آیا این همه تأمل و درنگ من برای ترس از مرگ و کشته شدن است پس سوگند بخدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ (کشته شدن در میدان کارزار) یا اینکه ناگاه مرگ مرا دریابد، و اما سخن شما در اینکه (فرمان جنگیدن نمی دهم برای آنست که در وجوب کارزار) با اهل شام مرا شک و تردیدی است، پس سوگند بخدا یک روز جنگ کردن را بتأخیر نینداختم مگر برای آنکه می خواهم گروهی (از ایشان) بمن ملحق گردیده هدایت شوند (از گمراهی دست کشیده براه راست قدم نهند) و بچشم کم نور خود روشنی راه مرا ببینند،

و این تأمل و درنگ در کارزار نزد من محبوبتر است از اینکه آن گمراهان را بکشم و اگر چه (ایشان دست از ضلالت و گمراهی برداشته بالأخره کشته میشوند و در قیامت) با گناهانشان (مخالفت با امام و پیروی نمودن از دشمنان آن حضرت) -گرفتار خواهند شد.



ایجاد شبهه که فتنه ای فرهنگی است برای نفوذ فرهنگ دشمن، اما امام علی (ع) در خطبه ۳۸- شبهه را

اینگونه معنا می کند:

ومن كلام له (عليه السلام) و فيها علة تسمية الشبهة شبهة ثم بيان حال الناس فيها:  
وَإِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبَهُ الْحَقَّ، فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضَيَّأُوهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمَتُ الْهُدَى وَ أَمَّا  
أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ.

از خطبه های آن حضرت علیه السلام است (در بیان وجه تسمیه شبهه و اینکه کسیرا از مرگ رهائی نیست شبهه از این جهت شبهه نامیده شده که شبیه و مانند حق است (هر کس نمی تواند میان حق و باطل تمیز دهد) پس روشنی دوستان خدا در شبهه ایمان و اعتقاد ایشان است (بخدا و رسول) و راهشان راه هدایت و رستگاری است (که از آن راه پیروان خود را از تاریکی های شبهه ها نجات داده و حق را بآنان آشکار می نمایند) و اما دشمنان خدا دعوت کننده شان در آن شبهه ضلالت و گمراهی است و رهنمای شان کوری و سرگردانی که بسبب آن پیروان خود را در دنیا بد بخت و در آخرت بعذاب الهی گرفتار می سازند.

پس (پیروان دوستان خدا نباید از مرگ و کشته شدن بیم داشته باشند، زیرا) کسیرا هم که از مرگ بیم داشته باشد بالأخره نجات و رهائی از آن نیست و کسیکه دوستدار زنده بودن باشد همیشه باقی و زنده نخواهد ماند (بنا بر این شایسته آنست که شخص به زندگی موقتی دنیا دل نبندد و از مرگ و پیکار در راه خدا برای نصرت دین رو نگرداند.

**نیوشیدن لباس دشمن:**

لباسی که خدا دشمن می دارد لباس شهرت است. امام صادق (ع) می فرماید: خدا لباس شهرت را دشمن دارد و

نیز می فرماید: برای خواری مردمان همان بس که لباس انگشت نما و بدنام کننده بپوشند. (مکارم الاخلاق ص ۱۱۶)

ای بندگان خدا از دشمن خدا پرهیز کنید مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد و با ندای خود شما را به

حرکت در آورد و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد به جانم سوگند، شیطان تیر خطرناکی برای

شکار شما بر چله گمان گذارده و تا حدّ توان کشیده و از نزدیکترین مکان شما را هدف قرار داده است. (خطبه

۱۹۲ نهج البلاغه - هشدار از دشمنی های شیطان)

پرهیز از لباس سران متکبر و خودپسند؛ آنان که به اصل و حسب خود می نازند و خود را بالاتر از آنچه که هستند می پندارند و کارهای نادرست را بخدا نسبت می دهند و نعمتهای گسترده خدا را انکار می کنند تا با خواسته های پروردگار مبارزه کنند و نعمتهای او را نادیده بگیرند. آنان شالوده تعصب جاهلی و ستونهای فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند. شیطان آنها را برای گمراه کردن مردم، مرکبهای رام قرار داد و از آنان لشکری برای هجوم به مردم ساخت و برای دزدیدن عقلهای شما آنان را سخنگوی خود برگزید که شما را هدف تیرهای خویش و پایمال قدمهای خود و دستاویز وسوسه های خود گردانید. (همان)

#### شرح بند ۴:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْدِنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِي بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و هم اینک مرا بر دشمنم چنان یآوری کن که با آن طوفان خشم من فرو نشیند و کار انتقام من از او تمام شود.

#### انتقام از دشمن:

"وَقَالَ (عليه السلام): إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ." (علی (ع) فرمود: اگر بر دشمن دست یافتی بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده" (عفو و گذشت سیره کریمان است)

يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا الْفَيْتَنُكُمْ تَخَوْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا تَقُولُونَ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِلا قَاتِلِي انظروا إذا مات من ضربته هذه فاضربوه ضربته بضرته ولا تمثلوا بالرجل فإني سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول إياكم والمثلة ولو بالكلب العقور. (نامه ۴۷)

ای فرزندان عبدالمطلب: مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید [و دست به کشتار بزنید] و بگویید، امیر مؤمنان کشته شد، بدانید جز کشته من کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید اگر من از ضربت او مردم، او را تنها یک ضربت بزنید، و دست و پا و دیگر اعضای او را مبرید، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «پرهیزید از بریدن اعضای مرده، هر چند سگ هار باشد.

#### شکست حتمی ستمکار:

لَا يَبْنِي الْحَسَنُ (عليه السلام): لَا تَدْعُونَ إِلَى مَبَارَزَةٍ، وَإِنْ دُعِيتَ إِلَيْهَا فَأَجِبْ، فَإِنَّ الدَّاعِيَ إِلَيْهَا بَاغٌ، وَالْبَاغِيَ مَصْرُوعٌ

امام (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمود: هرگز کسی را به مبارزه دعوت مکن (و آغازگر جنگ مباش) ولی اگر کسی تو را به مبارزه فراخواند اجابت کن (و سستی در جهاد با دشمن مکن) زیرا دعوت کننده به مبارزه ستمکار و ستمکار در هر حال مغلوب است. (حکمت ۲۳۳)

انتقام خدا از ستمگر:

إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ؛ قُلْ لِلْمَلَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: قُلْ لَهُمْ؛ أَعْلَمُوا أَنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ دَعْوَةً وَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مَظْلَمَةً (الخصال- ص ۳۳۷ ح ۴۰) همانا خداوند به عیسی (ع) وحی فرستاد:

به آنان (قوم بنی اسرائیل) بگو: بدانید که من دعای کسی از شما را که حق یکی از آفریدگان من بر گردن اوست، مستجاب نمی کنم. (نهج الدعاء حدیث ۷۶۲)

امام علی (ع) در خطبه ۱۲۴- می فرماید: خداوند! اگر دشمنان ما حق را پس زدند جمعشان را پریشان کن و اتحادشان را پراکنده ساز و آنان را به خاطر گناهانشان نابود گردان و آنان از موضعی که گرفته اند پس نمی روند جز با فرود آمدن پی در پی نیزه های شما که زخم کاری به آنان زند.

امام علی (ع) در نامه ۴۷ می فرماید:..... وَ كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا..... دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.

شرح بند ۵:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَوْضِنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ، وَ أَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِرَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مَكْرُوهِ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ، وَ كُلُّ مَرَزِيئَةٍ سِوَاءٍ مَعَ مَوْجِدَتِكَ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به جای آن ستم که او بر من کرده، بخشایش خود را نصیب من فرما، و به جای بدرفتاری هایش، بر من رحمت آور، که هر ناخوشایندی در برابر خشم تو ناچیز است، و هر مصیبتی در برابر غضب تو آسان.

" لکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب لعلکم تتقون "

حیات، دارای انواعی است:

۱- حیات طبیعی. مثل زنده شدن زمین در بهار و بعد از باران. «يُحْيِي الْأَرْضَ»

۲- حیات معنوی. مثل دعوت پیامبر که عامل زنده شدن مردم است. «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

۳- حیات برزخی که شهدا دارند. «لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ»

۴- حیات اخروی که برای همه است. «يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ»

۵- حیات اجتماعی در سایه امنیت و عدالت. نظیر همین آیه «لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»

## پیام ها

۱- اجرای عدالت، تضمین کننده حیات جامعه است. «لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»

۲- تعادل میان رأفت و خشونت، لازم است. خدایی که رحمن و رحیم است، قصاص را رمز حیات می داند.

«لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»

۳- حذف عنصر خطرناک، یک اصل عقلانی است. «یا اُولی الْأَلْبَابِ» (استاد قرائتی)

خداوند سبحان می فرماید: فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ: پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و رسولش ارجاع دهید؛ ارجاع آن بخداوند آن است که به حکم کتابش تن دهیم و ارجاع آن به پیامبر آن است که به سنتش چنگ رنیم. (خطبه ۱۲۵ نهج البلاغه)

خوارج در رسیدن به اهداف باطل خود نامشان از طومار مسلمین پاک شد و شیطان آنها را در وادی گمراهی قرار داد و در دشمنی و ظلم افراط طلب و تند رو بودند پس بدترین مردم شدند و از رحمت الهی بدور ماندند و دچار غضب الهی شدند چون بر اثر گمراهی، تفرقه ایجاد کردند و از اهداف بلند امامت دور شدند.

## آیا ظلم عوضی دارد؟

ورود به تاریخ و درس عبرت از تاریخ ستم ستیزی را بما نشان می دهد؛ اینکه یاران امام حسین (ع) با ستم ستیزی به میدان آمدند و کارهای سترگ کرده اند که سرمشق همه آزادگان جهان و ستم ستیزان دنیاست. بنابراین ظلم هر چند اندک باشد، حرام است و خداوند وعده آتش دوزخ داده است پس هر گونه همکاری با ظالم و ضعیف بدتری دارد که خشم و غضب و انتقاجویی الهی را نسبت به چنین همکاری تشدید می کند.

ظلم عوض دارد، وانسان نمی تواند نسبت به کسی که به او ظلم کرده، ساکت ماند و ستم را بپذیرد و به آن تن در دهد و واکنش منفی نشان ندهد. از نظر اسلام پذیرش ظلم و ستم روا نیست و می بایست به سبب همین پذیرش و رکون مجازات شود. امام حسین (ع) بر علیه ظلم و ستم قیام کرد و ریشه ظلم و ستم اموی را تا قیامت سوزاند.

حمایت از مظلومان تکلیفی الهی بر عهده مؤمنان است:

وَمَا لَكُمْ لَأُتْقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء ۷۵)

چرا در راه خدا جهاد نمی کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که (در مکه اسیر ظلم کفارند و) دائم می گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما (بیچارگان) نگهدار و یآوری فرست.

### تکلیف مؤمنان نسبت به ستمدیدگان:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج ۳۹)

به مسلمانان که مورد قتل (و غارت) قرار گرفته اند رخصت (جنگ با دشمنان) داده شد، زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خدا بر یاری آنها قادر است.

ما می توانیم در برابر ظلم دیگری از خداوند عفو و رحمت برای خود بخواهیم "أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" این بدین معناست که خداوند بخشنده است و انسانی هم که می خواهد متخلق به اخلاق الله بشود باید در عرصه هایی که خداوند از چنین صفاتی بر خوردار است خود را نیز بدان بیاراید.

در دین مبین اسلام، عفو در برابر کسی که به شما ظلم روا داشته است توصیه شده و بسیار شایسته است. اگر ظالم در موقعیت پشیمانی قرار گرفت و شما بر آن غلبه پیدا کردید، برای نمونه؛ اگر در دادگاهی، ظلم طرف مقابل اثبات شود و شخص متهم نیز ابراز ندامت کند چنین وضعی محلّ عفو است. اما اگر کسی قلدری نماید و ما بدلیل ترس عقب نشینی کنیم چنین عفوئی دارای ارزش نیست، عفو در مقابل قدرت داشتن و از موضع قدرت معنا پیدا می کند.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: "در عفو لذتی است که در انتقام نیست" و این لذت همان رحمت الهی است. شخصی از خویشاوندان امام سجاد (علیه السلام) نزد ایشان آمد و آن حضرت را مخاطب قرار داد و به ایشان دشنام داد؛ ولی امام سجاد (علیه السلام) پاسخ او را نداد و به او چیزی نگفت. هنگامی که او بازگشت، امام (علیه السلام) به همنشینان خود فرمودند: "شما شنیدید که این مرد چه گفت؛ دوست دارم با من نزد او بیایید تا جواب من به او را بشنوید."

پس اطرافیان امام گفتند: "با شما می‌آییم؛ چرا که دوست داریم جواب او را بدهید و ما نیز به او چیزی بگوییم (پاسخ گستاخی او را بدهیم)." "

پس امام کفش‌هایشان را پوشیدند و به راه افتادند؛ در حالی که این آیه‌ی شریفه را تلاوت می‌فرمودند:

"... وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْأَعْفِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ "

"... و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد."

(سوره آل عمران، آیه ۱۳۴)

پس اطرافیان دانستند که امام (علیه السلام) چیزی به او نخواهند گفت.

سپس امام سجاد (علیه السلام) خارج شدند تا این که به در منزل آن مرد رسیدند. آنگاه با صدای بلند فرمودند: "به او بگویید که علی بن الحسین آمده است." پس آن مرد در حالی که اراده فتنه‌جویی داشت، بیرون آمد و شک نداشت که امام برای مجازات او به خاطر آن چه انجام داده بود، آمده‌اند.

پس امام زین العابدین (علیه السلام) به او فرمودند: "ای برادر من!، تو لحظاتی پیش نزد من آمدی و گفתי و گفتم؛ پس اگر آن چه گفتمی در من موجود است، من از خداوند طلب بخشایش می‌کنم و اگر آن چه گفتمی در من نیست، خداوند تو را ببخشد."

در این هنگام آن مرد پیشانی امام را بوسید و گفت: "من چیزی در مورد تو گفتم که در تو نیست و من به آن سزاوارترم."

« برگرفته از کتاب إرشاد، تألیف شیخ مفید (ره)، جلد ۲، صفحه ۱۴۵ »

پیامبر(ص) به آنچه که به حق ایشان باز می‌گشت ، گذشت می‌کردند اما اگر شخصی به اصل دین ، باورها و جایگاه رسالت خدشه ای وارد می‌کرد ؛ ایشان گذشت نمی‌کردند.

شرح بند ۶:

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَفِنِي مِنْ أَنْ أُظْلَمَ

خدایا، همچنان که ستم دیدگی را در چشم من بد آراسته‌ای، مرا از ستمگری نیز رویگردان کن خدایا مرا از ظلم حفظ کن. اینجا تنها نکته ای که مطرح می شود رعایت حقوق دیگران است. رساله حقوق امام سجاد(ع) حقوق افراد بشر را نسبت به یکدیگر نشان می دهد. اگر حق شناسی شیوه انسانی گردد پس نه ظلم به او می شود و نه او به دیگری ظلم خواهد کرد و عدالت پروری شیوه اهل ایمان خواهد شد. برای مثال، شرک و کفر نوعی ظلم به خود است و آن دور ماندن از رحمت الهی است.

بروز ظلم در سوء اعتقادات، بصورت شرک و کفر،

بروز ظلم در سوء نیت و سوء ظن و سوء امانت داری بصورت عهد شکنی،

بروز ظلم در سوء اخلاق سیاسی بصورت استعمار و استثمار و غیره ..

بروز ظلم در سوء اخلاق دینی بصورت بدعت گذاری

بروز ظلم در سوء اخلاق اجتماعی بصورت رواج باطل گرایی و خیانت و تفرقه و ایجاد فتنه ، حيله و نیرنگ.

بروز ظلم در سوء اخلاق جنسی، بصورت هوسرانی مانند؛ خیانت ، تشیع فاحشه، برون گرائی، بی عفتی و بی

حیایی و بی غیرتی

بروز ظلم در قوای بدنی و روحی ؛ بصورت کمرنگ شدن قوای عقلیه و پر رنگ شدن قوای شهویه و بهیمیه و

عصبیه خلاصه غلبه جنود جهل بر عقل.

امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۱۳۶ فرمود: ای مردم مرا در راه سرکوبی نفس سرکش خودتان یاری دهید .

بخدا سوگند داد ستمدیده را از ستمکار خواهم گرفت و ستمکار را با افسار خودش پیش خواهم برد تا او را به

آبشخور حق در آورم گرچه خودش مایل نباشد.

شرح بند ۷:

اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيْ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ،

خدایا، جز در پیشگاه تو دادخواهی نمی کنم، و از هیچ داوری جز تو یاری نمی خواهم؛ هرگز!

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَاقْرَأْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را به اجابت رسان و دادخواهی ام را به دگرگون شدن حال من

پایان ده.

شکایت بخدا:

گاهی انسان از سوء رفتار خود به خداوند شکایت می کند:

شکایت از نفس اماره بسوء ، بصورت زیاده روی بسوی خطا و گناهان و هوسرانی.

شکایت از دنیادوستی بصورت آرزوهای طولانی و استقبال از شر.  
 شکایت از بخل و خسیس بودن بصورت دریغ کردن از انفاق.  
 شکایت از زمزمه های شیطانی بصورت ناسپاسی از نعمتهای الهی و بیراهه رفتن فرد.  
 شکایت از غلبه رسوائیها بصورت دوری از حق گرایی و بصیرت افزائی و تمایل به باطل گرایی.  
 شکایت از ابر بودن بصورت دور بودن از ادب عبودیت و جلب رضای الهی و نقصان اعتقادی در شناخت  
 ثبوت و امامت.

شکایت از بی صبری و نا پایداری بصورت عجز و ناتوانی در برابر گرفتاریها و بلاها و مصیبتها.  
 امتیاز دهی خداوند به بشر در اقرار به عجز و ناتوانی خود و تغییر دادن وضع کنونی او:

۱- استجاب دعا

۲- دستگیری خدا از بشر ناتوان و نجات بنده از بحرانهای گوناگون رذائل اخلاق، سیاسی، اجتماعی

۳- عزت پروری بجای ذلت و خواری

۴- ایمان قوی همراه با یقین استوار

۵- نزول رحمت الهی و کسب مهارتهای زندگی اسلامی

۶- بهره وری از حکمت و اندیشه

۷- رنگ توحیدی بجای رنگ ضلالت و بردگی

شرح بند ۸ :

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِي بِالْمُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ، وَلَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَ عَلَى ظُلْمِي، وَ يُحَاضِرُنِي بِحَقِّي، وَ  
 عَرَفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَ عَرَفْتَنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِبَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

خدایا، مرا به ناامیدی از دادگری خویش میازمای، و آن که را بر من ستم روا می‌دارد، به ایمن شدن از کیفر خود  
 امتحان مکن، تا در ستمگری بر من پای فشارد و به زور حقم را باز ستاند. به زودی آنچه را به ستمکاران وعده  
 داده‌ای، برای او پیش آور، و آن مژده‌ی اجابت که به درماندگان داده‌ای، درباره‌ی من به انجام رسان.

وقال عليه السلام : لِلظَّالِمِ مِنَ الرَّجَالِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ قَوْفَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ وَيُظَاهِرُ الْقَوْمَ  
 الظَّالِمَةَ.

امام علیه السلام فرمود : مردان ستمگر سه نشانه دارند: به مافوق خود از طریق نافرمانی ستم می کنند و با قهر و  
 غلبه، به زیردستان خویش ستم روا می دارند و پشتیبان گروه ظالمانند(حکمت ۳۵۰)



پیامبر(ص) فرمود: از نفرین ستم دیده بترس! زیرا میان او و خدا هیچ حجابی نیست(نهج الدعاء ص ۹۲۷)  
فرق مؤمن غیر مؤمن:

فرق مؤمن و غیر مؤمن این است که مؤمن همیشه امیدوار است امید او با رجاء همراه است. مؤمن از فضل خدا نا امید نمی گردد و مؤمن عدالت پیشه است چون محکمه الهی را پر از عدل و داد می بیند. او همیشه ترازوی عدل الهی را پیش روی دارد پس از بیراهه روی گریزان است و گمراهی را تجربه نمی کند چون از عقاب الهی نگران است. فرد مؤمن همیشه از آزمایشهای الهی پیروز در می آید.

امام علی(ع) در حکمت-۴۲۱- فرمود: "از عقل تو همین بس که راه گمراهیت را از راه رستگاریت آشکار می سازد".

امام علی(ع) در حکمت ۴۰۸ فرمود: "هر که با حق پنجه در افکند حق او را بر زمین گرم زند. از خداوند تعالی در خواست می نمایم که ظالم را هر چه زودتر مجازات نماید و بحال خودش واگذار نکند که اگر او بحال خودش واگذار شود بر ظلم خود مصرّ گردد و باطل گرایی را بر حق طلبی رواج دهد. امام علی(ع) در حکمت ۳۷۷ فرمود: هرگز بر خوبان این امت هم از عذاب خدا ایمن مباش.

شرح بند ۹:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَى وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِنِّي، وَاهْدِنِي  
لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ. اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ  
الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَمَجْمَعِ الْخَصْمِ.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و چنان کن که قبول آنچه بر من مقرر کرده‌ای، چه مرا سود دهد و چه زیان، برایم آسان باشد، و مرا به آنچه از من گرفته‌ای یا به من داده‌ای، خوشنود گردان، و به راست‌ترین راه، هدایت فرما، و به درست‌ترین کارها وادار.

خدایا، اگر خیر مرا در آن می‌بینی که گرفتن حق من و انتقام من از کسی که بر من ستم روا داشته است - تا روز جدایی حق از باطل و روز گرد آمدن مدعیان حق - به تأخیر افتد.  
امام صادق(ع) فرمود که؛

رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: خدای عزوجل می فرماید، کسی که از من بخواهد و بداند که بی تردید من ضرر رسان و سودبخشم و دعایش را مستجاب می کنم.(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ص ۳۲۹ ح ۱)

انسان وقتی هدایت شود باید در سختی ها و مرارت های دنیا و پستی ها و بلندی های دنیا و آزمایش های سخت دنیا کم نیاورد و همواره تسلیم امر خدای عزوجل باشد. کسانی که بخاطر ظلمی که به او شده از دوستی خداوند تعالی دست بر نمی دارد در حالی از دنیا می رود و خداوند را ملاقات می کند که گناهان او به اندازه کف دریاست و خداوند گناهانش را می آمرزد. (همان)

امام صادق (ع) فرمود: هیچ بنده مسلمانی آنگونه که باید و شاید نسبت به خداوند مخلص نبوده است جز اینکه به این دو بهره رسیده است: رزقی که به آن قانع شده و رضایتی از خداوند که او را نجات داده است. (همان)

### شرح بند ۱۰:

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَيْدِنِي مِنْكَ بِنَيْئِهِ صَادِقَةً وَ صَبْرٍ دَائِمٍ وَ أَعِدْنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَ هَلَعِ أَهْلَ الْحِرْصِ، وَ صَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ أَعِدْ لِي لِحْصَمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَ ثِقَتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا با نیت درست و شکیبایی پیوسته یاری فرما و مرا از خواهش های نکوهیده و نابردباری آزمندان در امان دار، و آن پاداش نیک را که برای من اندوخته ای و آن کیفر و عقاب را که برای دشمن من آماده کرده ای، در دلم نمایان کن. و آن را برای من دستاویزی قرار ده تا به مدد آن، به آنچه برایم مقدر کرده ای، خرسند شوم، و به آنچه برایم برگزیده ای، اطمینان یابم. چنین باد، ای پروردگار هستی ها، که تنها تو دارای بخشش بزرگ هستی و تنها تو بر هر کار توانایی.

در این بند با درخواست صبر از خداوند در برابر مشگلات، عاقبت بالخیری را برای خود رقم می زنیم.

صبر در برابر مشگلات - صبر در برابر ظلمت های ایجاد شده توسط ستمکاران.

صبر در برابر انتقام - که در عفو لذتی است که در انتقام نیست.

صبر در برابر نیت های کاذب.

صبر در برابر حرص و آزمندی.

آنگاه که صبر بر انسان غالب شود پس تصویر عقاب و جزاء الهی در قلب انسان نقش می بندند و انسان به وعده های الهی دلش گرم می شود و همین راضی بودن به قضای الهی و تقدیر اوست.

رسول گرامی (ص) فرمود: " اذا وقف العباد نادى مناد: ليقيم من أجره على الله و ليدخل الجنة قيل " من ذا الذى أجره على الله ؟ قال: العافون عن الناس ! هنگامی که بندگان در پیشگاه خدا می ایستند، آوازدهنده

ای ندا دهد: آن کس که مزدش با خداست بر خیزد و به بهشت رود . گفته می شود: چه کسی مزدش با خداست؟ می گوید: گذشت کنندگان از مردم (کنز العمال ج ۳ ص ۳۷۴ ح ۷۰۰۹)

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ



کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد.

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

تفاسیر المیزان و نمونه - تفسیر نور

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

نهج البلاغه فیض الاسلام

نهج الدعاء - ترجمه فارسی محمدی ری شهری